

## عنوان مقاله:

بررسی امکان برون رفت از مغالطه ی طبیعت گرایانه در اخلاق از دیدگاه مایکل روس

## محل انتشار:

دو فصلنامه تأملات فلسفی، دوره 9، شماره 22 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسندگان:

مریم عسگریورعلی - دکتری فلسفه علم/ دانشکده الهیات و فلسفه/ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات/ تهران/ ایران

حسین شیخ رضایی - استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور/ تهران/ ایران

## خلاصه مقاله:

رویکردهای طبیعت گرایانه به اخلاق درصدد هستند تا از یافته های علوم تجربی در مباحث فلسفه ی اخلاق بهره گیرند. از معروفترین رویکردهای طبیعت گرایانه به اخلاق رویکرد تکاملی است. اخلاق تکاملی همواره به ارتکاب مغالطه های طبیعت گرایانه متهم بوده است. مغالطه ی طبیعت گرایانه دو قرائت هیومی و موری دارد. قرائت هیومی که به قرائت استنتاجی مغالطه ی طبیعت گرایانه نیز موسوم است استنتاج بایدها از است ها را ارتکاب به نوعی مغالطه می داند. قرائت موری که به قرائت تعریفی مغالطه ی طبیعت گرایانه موسوم است تعریف ویژگی های اخلاقی به ویژگی های نااخلاقی، و به ویژه ویژگی های طبیعی، را مغالطه در نظر می گیرد. در این مقاله پس از معرفی اخلاق تکاملی روس دلایل وی برای آنکه دچار مغالطه های طبیعت گرایانه نشده است آورده می شوند. سپس به این پرسش پاسخ می دهیم که آیا روس واقعا از مغالطات اجتناب کرده است یا خیر. پاسخ ما به این پرسش مثبت است. اما همگام با منتقدانی مانند روتشیفر و مارتینسن نشان خواهیم داد که هزینه ی اجتناب از این مغالطه ها از عینیت انداختن اخلاق بوده است. سپس به این پرسش می پردازیم که آیا روس می توانست بدون آنکه اخلاق را از عینیت بیاندازد و آنرا موهومی بپندارد دچار مغالطه ها نشود و نشان خواهیم داد که با دادن نقش بیشتری به فرهنگ می توانست چنین قرائتی ارائه دهد. بنابراین هدف مقاله مخالفت با قرائت ذهنی روس از اخلاق و دفاع از قرائتی است که عینی گرایانه باشد. به نظر ما عناصری از این قرائت را در آراء خود روس نیز می توان یافت که در انتهای مقاله آورده شده اند.

## کلمات کلیدی:

طبیعت گرایی اخلاقی، مغالطه ی طبیعت گرایانه، داروینیسیم اجتماعی، اخلاق تکاملی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1009504>

